

بسم الله تعالى شأنه العزيز

تا که دست ناصر الدین خاتم شاهی گرفت
صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

الملك لله تعالى شأنه حکم همایون شد آنکه حضرت مالک الملک قدیم
که بخواست و اراده خداوندی وجود اقدس همایون ما را در خور سریر و دیهیم
فرموده و پایگاه منیع خلافت و جهانداریرا که اعلی مقامات عز و اجلال است
برای ذات ملکی صفات ماسلم داشت شکر الالائه و حمد النعماته بر اراده علیه
خسروانی فرض و لازم شمردیم که از مقاصد ملکی و مهمات مملکتی هر کدام
را که در عتبه اقدس ایزدی بیشتر محل قبول باشد زیادتر منظور نظر مر حمت گستر
فرمائیم و از اقطاع ممالک محروسه هر یک را که باراده ازلی پایه برتری
بر ما کن دیگر دارد بحکم تأسی و پیروی بر سنن سنیه الهیه بیشتر شمول انظار
حق گذار همایون پادشاهی سازیم ساحت ملک طوس که مهبطانوار ملک مهیمن
قدوس و گنجینه گوهر رخشان و مشرق مهر در رخشان حضرت قائد الامه و ثامن -
الائمه صدر نشین مقام ارتضا جناب علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثنا
است بتوجهات دقیقه یاب نواب همایون اولی و احق و از صفحه ضمیر منیر پادشاهی

مؤکل مقاصد اقدم و اسبق آمدخواستیم که در آن ساحت پاک که مفخر افلاک و املاک است بساط انتظام بنوعی ممهّد نمائیم و اساس انضباط را چنان مشید سازیم که رضوان خداوندی را سبیل باشد و غفران ایزدی را بمنسه تعالی دلیل آید هادی دارالسلام شود و حاوی رضای حضرات ائمه انام علیهم السلام گردد از آنجا که حصول این مبارک مقصود و نیت عاقبت محمود که فوائد و عوایدش بحمداله مشید بوده و بعد از احاله بصر حقایق نکرد تعمیق نظر در قایق شمردر حالت چاکران دولت قوی شوکت و ملاحظه مراتب سداد و استعداد هر یک از آنها برای رجوع این امر معظم و خدمت عمده و اتم گوهر ذات جناب مجدت و نجات همراه فخامت و مناعت اکتبیه قدیمی چاکر مخالفت همراه مقرب - الخاقان میرزا محمد حسین عضدالملک وزیر و ظایف و موقوفات را من کل الوجوه قابل و سزاوار دیده باقتضای امانت و دیانت و اصالت و نجات کفالت و کفایت امر جلیل و شأن خطیر و نبیل متولی باشی گری آستان عرش نسان ملایک پاسبان مقدس را بعهدہ لیاقت مشارالیه محول و واگذار و او را در نظم و ربط و حل و عقد و رتق و فتق امور و صادر و وارد و دخل و خرج و کل امور متعلقه بسرکار فیض آثار از قبیل دهات و مزارع و دکا کین و مستغلات موقوفه در هر جا و هر چند من کائناً ماکان و تغییر و تبدیل عمله و خدام و نحو ذلک امین و مختار فرمودیم که بر حسب امانت و آگاهی و دیانت و دولتخواهی رفتار کرده حسن اطوار و کردار خود را بعرضه شهود آورد و نظمی که شایسته و سزاوار سرکار فیض آثار باشد در هر باب نگهدارد .

مقرر آنکه عموم متولیان و عمله و خدام آستان ملائک پاسبان مشارالیه را متولی باشی بالاستقلال سرکار فیض آثار دانسته از امر و نهی او ذرّه تخلف و انحراف جایز ندانند و بکل صباط و مستأجرین و رعایای املاک و مستوفیان موقوفه حضرت ثامن الائمه علیه السلام امر و مقرر میفرمائیم که همه ساله حساب دخل و خرج و صادر و وارد خود را بامشارالیه سمت انجام داده و او را در کل

امورات و جمیع الجہات صاحب رأی و مختار دانند المقرر مقرب الخاقان
مستوفیان عظام شرح فرمان ہمایون را ثبت کرده و در عہدہ شناسند.

فی شهر صفر المظفر سنہ ۱۲۷۲

دستخط ناصر الدین شاہ

عضد الملک سالہاست باین دولت خدمت با صداقت کرده است خاصہ در این
دولت کہ صداقت اورا مکرر تجربہ فرمودہ ایم بخصوص در مأموریت پطرزبورغ
حال ہم کہ خواستیم التفات ثانیہ در حق او بفرمائیم منصب متولی باشی گری
ارض اقدس را باو مرحمت فرمودیم کہ در انتظام امورات آن حضرت کمال
سعی را بکند و در رونق و شکوہ و نظم آن روضہ متبر کہ سعی و جاہد باشد.

صفر المظفر ۱۲۷۲